

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

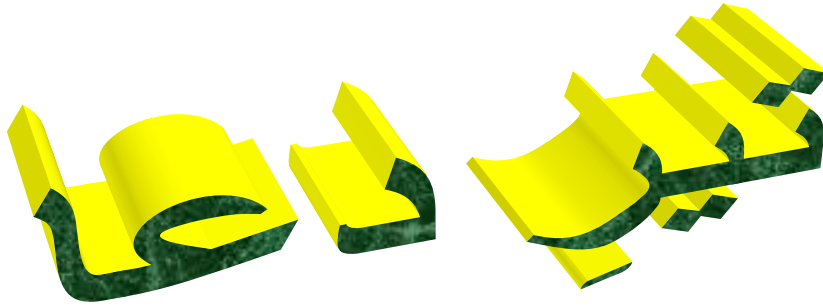
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۲۰۱۰ | ۰۶ | ۲۲
شهر اسن آلمان



ای (نبیلی) که سخن ، معجزه آسا داری
تغیر گفتار به لب ، همچو مسیحا داری
بسکه گپ های تو ، رفتار تو ، پندار تو نیک
جوهر نیکی اعمال ، سراپا داری
به خدا هرچه بفرمایی شنیدن دارد
شهد و شیر و شکر و ، قند و مربا داری
ز کلام تو حقیقت ، به همه جلوه کند
آنچه منظور نظر ، یا که چلبیا داری
به همه مردم مظلوم و ستم دیده ما
عشق مجنون پُر از جذبۀ لیلا داری

نرخ بازار ندانسته ، گهر عرضه مکن
باخبر باش ، خریدار ، زلیخاداری
عالمی واله و شیدای تو ، ای محرم راز
مجمع عالم و ، دانشور و ، داناداری
همه خوش صحبت و با تربیت و خوش اخلاق
دلربا ، دلبر و ، دلدار و ، دل آراداری
باندِ اشرار ، ز (تی وی) شما رانده شدی
خیل ابرار به هر درد ، مداواداری
رُقبا رشک برند ، زانکه تو همکارانی
خوش قد و قامت و خوش هیكل و زیباداری
شاعرِ ملی و ، تحلیل گر با احساس
یک دو سه چار ، نه ، بل بیش ز صدها داری
محترم (**ناصری**) و (**نادر**) و (**آغاسی**) را
خار بر دیده هر بی سر و بی پاداری
(**سجیه جان**) و (**علمی**) و چو (**زهرا یوسف**)
سنگرِ ناشکن و لشکرِ اعلا داری
(**نعمت**) و همچو (**پناه**) و ، چو (**ثریا خادم**)
سپرو ، نیزه و ، شمشیرِ مُطلا داری
چشم اغیار و رقیبان و حریفانت کور
نظر بد ، اگرش سوی تو ایلا داری
گفته بودم ، خوده اسپند بلا بند بکو
مدعی ، دور و برت ، خارج از احصا داری

یک بلا آمد و صد شکر ، که با خیر گذشت
زانکه با تیرِ دعا ، دفعِ بلا ها داری
ناکسانی به غیابِ تو ، سخن ها گفتند
می ندانند که تو هم ، خالقِ یکتا داری
آنچه را پیرِ طریقت ، ز حقیقت سفته
« نعمت » از قولِ جنابش به تو اهدا داری
(رَحِ یوسف ، لبِ عیسا ، یدِ بیضا داری)
آنچه خوبان همه دارند ، تو تنها داری)